

بررسی تاثیر توانایی مدیریت بر عدم شفافیت اطلاعات و به موقع بودن گزارشگری مالی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مژگان میرزائی

کارشناسی ارشد حسابداری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول).
mozghanmirzaie1@gmail.com

عالمه دادجوئی

کارشناسی ارشد حسابداری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.
a.dadjoei4958@gmail.com

چکیده

نتایج پژوهش‌های قبلی راجع به عوامل تأثیرگذار بر عدم شفافیت اطلاعات و به موقع بودن گزارشگری مالی محدود و مبهم هستند. علاوه بر این، از توانایی به عنوان یکی از مؤلفه‌های یاد می‌شود که بسیار مورد بحث بوده و بر عوامل درون سازمانی و برون سازمانی شرکت‌ها تأثیر بسزایی دارد. لذا، هدف این پژوهش بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر عدم شفافیت اطلاعات و به موقع بودن گزارشگری مالی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای نمونه‌گیری در این پژوهش از روش حذف سیستماتیک استفاده شده که طبق این روش، ۱۴۳ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده است. داده‌های پژوهش حاضر از نرم‌افزار ره‌آورد نوین گردآوری شده است. نتایج نشان می‌دهد که توانایی مدیریت بر عدم شفافیت اطلاعات تأثیر معناداری ندارد ولی توانایی مدیریت بر گزارشگری مالی به موقع تأثیری مثبت و معنادار دارد؛ به عبارت دیگر می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که با استفاده از مدیران توانمند می‌توان از تأخیر به وجود آمده در گزارشگری جلوگیری نمود و از این مؤلفه برای کاهش تأخیر در گزارشگری مالی استفاده نمود.

واژگان کلیدی: توانایی مدیریت، عدم شفافیت اطلاعات، به موقع بودن گزارشگری مالی.

مقدمه

عدم شفافیت اطلاعات مالی به عنوان ممانعت از دسترسی به اطلاعات، ارائه نادرست اطلاعات یا ناتوانی بازار در کسب اطمینان از کفایت مربوط بودن و کیفیت اطلاعات تعریف شده است (آجینکا و همکاران، ۲۰۰۵؛ حاجیها و شاکر، ۱۳۹۴؛ فو، ۲۰۰۶). افزون بر این، بهنگام بودن یکی از ویژگی‌های مربوط بودن اطلاعات است و به این معناست که اطلاعات مالی زمانی در اختیار استفاده‌کنندگان قرار گیرند که فرصت تصمیم‌گیری، قضاوت و اقدام بهنگام نسبت به موضوع مورد نظر برای آنان وجود داشته باشد (برزیده و معدنچی، ۱۳۹۳).

آندرسون و همکاران (۲۰۰۹) گزارش دادند که شرکتهای سهامی عام از عدم شفافیت برای کسب منافع خصوصی استفاده کرده و به سهامداران اقلیت ضرر می‌زنند. نتایج آن‌ها با این دیدگاه که بعد از افزایش عدم شفافیت، تعارض منافع سهامداران اقلیت و اکثریت بیشتر شده سازگاری دارد. علت این است که سهامداران اقلیت به راحتی فعالیت‌های رانت جویی را شناسایی نکرده و لذا اقدامات اصلاحی همچون کاهش قیمت سهام را اعمال نمی‌کنند. برعکس، زمانی که عدم شفافیت کاهش می‌یابد، سهامداران اقلیت با آسانی بیشتری فعالیت‌های رانت‌جویانه را تشخیص می‌دهند. بدین ترتیب رفتارهای فرصت‌طلبانه‌ی شرکتهای کنترل‌کننده و برخورداری از منافع خصوصی کاهش می‌یابند (ما و همکاران،

۲۰۱۷). کر (۲۰۱۹) باور دارد که شرکت‌هایی با شفافیت بیشتر، در صورت انجام فعالیت‌های رانت جویی، احتمال تشخیص تخلف بیشتری را متحمل می‌شوند.

صورت‌های مالی حسابرسی شده به عنوان یکی از منابع قابل اعتماد اطلاعات برای استفاده‌کنندگان محسوب می‌شوند؛ اما این اطلاعات زمانی می‌تواند توسط استفاده‌کنندگان مورد استفاده قرار بگیرد که دارای مجموعه‌ای از ویژگی‌های کیفی باشد. همچنین امروزه ویژگی‌های کیفی اطلاعات و قابلیت اتکای اطلاعات به عنوان معیاری بسیار مهم از سوی مراجع حرفه‌ای، قانون‌گذاران، تجزیه و تحلیل‌کنندگان اطلاعات مالی، سرمایه‌گذاران، مدیران و جامعه علمی مورد توجه قرار گرفته است. یکی از این ویژگی‌ها، به موقع بودن آن‌ها است (برزید و معدنچی، ۱۳۹۳). برای نمونه، شرکت‌هایی که گزارش‌های حسابرسی شده خود را با تأخیر به بازار گزارش می‌کنند، نسبت به شرکت‌هایی که گزارش‌های مالی حسابرسی شده خود را زودتر گزارش می‌نمایند، به احتمال بیشتری بازده سهام کمتری خواهند داشت (گیولی و پالمون^۱، ۱۹۸۲؛ کراس و چرودر^۲، ۱۹۸۴).

تمامی مطالب ارائه شده در ادبیات پژوهش نشان از اهمیت و ضرورت بررسی عدم اطلاعات شفافیت و به موقع بودن گزارشگری مالی دارد؛ بنابراین، اهمیت پژوهش حاضر را از چند جنبه می‌توان تبیین نمود. اول اینکه عدم اطلاعات شفافیت زیان‌های جبران‌ناپذیری را می‌تواند بر بسیاری از سهامداران و فعالان بازار سهام وارد نماید و موجب فراری شدن سرمایه‌های بسیاری شود، لذا بررسی عدم اطلاعات شفافیت می‌تواند یکی از ضرورت‌های انکارناپذیر برای انجام پژوهش‌های متعدد در این زمینه باشد. دوم اینکه توانایی مدیران یکی از موضوع‌های چالش‌برانگیزی بوده که در ادبیات پژوهش بارها بررسی شده است ولی باز هم نیازهای پژوهشی در این زمینه مشاهده می‌گردد چرا که یکی از عامل‌های رفتاری است که توسط مدیران گاه با اغراق مواجه می‌گردد و تصمیمات بسیاری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. بدین ترتیب، نیاز به بررسی‌های بیشتری دارد. با توجه به اهمیت اطلاعات شفاف و به موقع، ضروری است که به بررسی متغیرهای تأثیرگذار بر آن‌ها پرداخت که در این پژوهش بر اساس ادبیات پژوهش، یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در تمامی سطوح شرکت، یعنی توانایی مدیران انتخاب شده است. در نتیجه به بررسی تأثیر توانایی مدیران بر عدم شفافیت اطلاعات و به موقع بودن گزارشگری مالی پرداخته شده است.

بنابراین پرسش‌هایی زیر سوال اصلی پژوهش است:

توانایی مدیران بر عدم شفافیت اطلاعات چه تأثیری دارد؟

توانایی مدیران بر به موقع بودن گزارشگری مالی چه تأثیری دارد؟

ادبیات و پیشینه پژوهش

ادبیات پژوهش

توانایی مدیران

از آنجایی که مدیران توانا از دانش کافی برخوردار بوده و قضاوت‌ها و برآوردهایشان نیز کارآمد است، لذا آن‌ها می‌توانند از منابع سازمان در راستای تحقق حداکثری اهداف به نحوه شایسته‌ای استفاده نمایند. بعلاوه، نقش توانایی مدیریتی می‌تواند ریسک عملکرد ضعیف و ریسک ورشکستگی شرکت را کاهش دهد و همچنین باعث کاهش مبلغ حق‌الزحمه حسابرسی شود. در نهایت در محیط‌هایی که احتمال وقوع تقلب بالاست، توانایی مدیریتی می‌تواند احتمال وقوع گزارشگری مالی متقلبانه را کاهش دهد (کریشان و وانگ، ۲۰۱۵). توانایی مدیریتی دارای اثر تأییدکننده‌ای بر ارزش

¹ Givoly and Palmon

² Kross and Schroeder

شرکت دارد؛ بدین معنی عموماً، نهادهای نظارتی به واسطه محدودیت امکانات و زمان عمدتاً بر روی شرکت‌های فاقد مدیران توانمند متمرکز می‌شوند؛ بنابراین، انتظار می‌رود توانایی مدیریتی باعث کاهش احتمال رسیدگی‌های تفصیلی‌تر و وضع مجازات از سوی سازمان‌های نظارتی شود (چمنور و پاچلیس، ۲۰۰۵). طبق نظریه علامت‌دهی، مدیران توانمند نه تنها تمایلی به مبهم و پیچیده نمودن عملکرد مطلوب خود ندارند، بلکه به منظور آگاه ساختن سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی از عملکرد مطلوب و توانایی‌های خود اقدام به انتشار گزارش‌های مالی خواناتر و قابل فهم‌تر می‌نمایند (حسن، ۲۰۱۷). به طوری که شرکت‌های دارای مدیران توانمند کمتر از سایر شرکت‌ها اقدام به مبهم ساختن عملکرد واقعی خود می‌نمایند (اندرو و همکاران، ۲۰۱۳)؛ بنابراین، استدلال بر این است که مدیران توانا گزارش‌های مالی و اطلاعات بااهمیت شرکت به موقع به بازار سرمایه افشا کنند و گزارشگری مالی متقلبانه کمتری داشته باشند. در نتیجه، حتی در یک اقتصاد مبتنی بر رابطه، توانایی‌های مدیریتی می‌تواند نقش مهمی در کاهش گزارشگری مالی متقلبانه داشته باشد (وانگ و همکاران، ۲۰۱۷). از طرفی، وجود تضاد منافع بین مدیران و مالکان باعث می‌شود که صداقت و درستی مدیران در گزارش جنبه‌های مختلف عملکرد شرکت، مورد تردید باشد (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶)؛ زیرا مدیران معمولاً تمایل دارند اطلاعات در خصوص عملکرد مثبت شرکت را افشاء نموده، اطلاعات مرتبط با عملکرد ضعیف خود را پنهان نمایند. همچنین، نظریه مدیریت مبهم بیان می‌کند زمانی که عملکرد شرکت ضعیف است، مدیران تمایل دارند تا اطلاعات را به صورت مبهم و پیچیده ارائه نمایند، زیرا بازار ممکن است به اطلاعاتی که به صورت پیچیده افشا شده با تأخیر واکنش دهد (آچینا و همکاران، ۲۰۱۵).

طبق تئوری نئوکلاسیک مدیران ارشد فرق چندان با یکدیگر نداشته و لذا می‌توانند جایگزین هم شوند (برترند و شوار، ۲۰۰۳). با این حال، مطالعات اخیر نشان می‌دهد که هر کدام از مدیران می‌توانند به طور ویژه بر تصمیمات شرکت تأثیرگذار باشند. به طور خاص، مطالعات متعدد در ادبیات حسابداری نشان می‌دهد که اعمال ویژه فردی مدیران بر افشای داوطلبانه شرکت‌ها و پیامدهای گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد (دجونگ و لینگ، ۲۰۱۳).

به موقع بودن گزارشگری مالی

به موقع بودن یکی از خصایص مربوط بودن اطلاعات و به معنای آن است که اطلاعات مالی زمانی در اختیار استفاده-کنندگان قرار بگیرد که فرصت اتخاذ تصمیم قضاوت و اقدام نسبت به موضوع مورد نظر برای آنان وجود داشته باشد؛ به عبارت دیگر اطلاعات مالی باید پیش از سپری شدن زمانی که استفاده‌کنندگان می‌توانند بر مبنای آن اطلاعات داوری و تصمیم‌گیری نمایند در اختیار آنان گذاشته شود (نعیمی محمد نور و همکاران^۱، ۲۰۱۰). از آنجا که اطلاعات مالی نسبت به گذشت زمان بسیار حساس است و بعضاً با مرور زمان ارزش و سودمندی خود را در تصمیم‌گیری‌ها از دست می‌دهند، بنابراین هر قدر ارائه اطلاعات به تاریخ وقوع رویدادهای مربوط نزدیک‌تر باشد اطلاعات به موقع‌تر خواهد بود. مصداق این موضوع در گزارشگری مالی نزدیک بودن زمان ارائه گزارش به تاریخ پایان دوره مالی است. در ادبیات گزارشگری مالی، تأخیر در ارائه صورت‌های مالی و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی ارتباط نزدیکی با یکدیگر داشته است و در اغلب موارد موضوع به موقع بودن ارائه صورت‌های مالی در کنار به موقع بودن ارائه گزارش حسابرسی بحث می‌گردد. عدم ارائه به موقع گزارش حسابرسی نهایت منجر به تأخیر در انتشار اطلاعات می‌گردد بنابراین مفید بودن اطلاعات افشا شده در صورت‌های مالی سالیانه، با عدم ارائه به موقع گزارش حسابرسی، رابطه عکس داشته و منجر به کاهش سودمندی اطلاعات می‌گردد (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۴).

توازن بین «گزارشگری به موقع» و «ارائه اطلاعات قابل اتکا»، سال‌ها است گریبان‌گیر حساب‌رسان مستقل شده است. پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که تأخیر در ارائه اطلاعات حسابرسی، کیفیت سود را به شدت کاهش داده؛ باعث

¹ Mohamad-Nor and et al

افزایش عدم تقارن اطلاعاتی شده و بر شدت امکان فریب خوردن سرمایه‌گذاران اثر می‌گذارد و به سرمایه‌گذاران «مطلع» امکان می‌دهد تا از اطلاعات محرمانه برای سوءاستفاده از سرمایه‌گذاران «کم‌اطلاع» و افزایش عدم قطعیت ارزیابی‌های سرمایه‌گذاری و بازده مورد انتظار بهره‌برداری کنند (هاکانسون^۱، ۱۹۷۷؛ بوشمن و اسمیت^۲، ۲۰۰۱).

ارائه به موقع گزارش مالی از سوی شرکت‌ها، یکی از مؤلفه‌های اصلی گزارشگری باکیفیت است. پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که ارائه به موقع گزارش مالی باعث غنای محتوای اطلاعاتی شده و در نتیجه بر ارزش بنگاه اثرگذار است (بیور و همکاران^۳، ۱۹۸۰؛ شوارتز و سو^۴، ۱۹۹۶، بلنکلی و همکاران^۵، ۲۰۱۴). مدت زمان حسابرسی سالانه به عنوان مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده ارائه به موقع گزارش مالی از سوی بنگاه‌ها شناخته شده است (گیولی و پالمون، ۱۹۸۲)؛ بنابراین افشای به هنگام گزارش مالی از طریق صورت‌های مالی حسابرسی شده نقش مهمی در ارزش بنگاه و کاهش عدم تقارن اطلاعات مالی ایفا می‌کند (جاگی و تسوی^۶، ۱۹۹۹؛ لی و همکاران^۷، ۲۰۰۹).

توجهی که امروزه به گزارشگری مالی در شرکت‌های سهامی عام معطوف می‌شود؛ پیش از این به ندرت وجود داشته است. سرمایه‌گذاران از طرفی و قانون‌گذاران از سمتی دیگر، خواستار شفافیت و سخت‌گیری روزافزون نسبت به خطاها و سوءاستفاده‌های حسابداری هستند (لاری دشت بیاض و همکاران، ۱۳۹۷).

انتشار به هنگام صورت‌های مالی از سوی شرکت‌ها، یکی از ابعاد مهم گزارشگری مالی است که نقشی اساسی در بازار سرمایه و تصمیمات سرمایه‌گذاران دارد. تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی به دلیل عدم ارائه اطلاعات به هنگام به سهامداران کلیدی، کیفیت اطلاعات را به خطر می‌اندازد. اساساً گفته می‌شود که بین ارزش اطلاعات و زمان مورد نیاز برای تهیه صورت‌های مالی رابطه معکوسی وجود دارد؛ بر اساس نظریه علامت‌دهی، هرچه زمان مورد نیاز حسابرس برای اتمام حسابرسی طولانی‌تر باشد (که در تأخیر گزارش حسابرسی نمود پیدا می‌کند) علامت صادر شده به بازار در مورد وجود مسائل منفی احتمالی ناشی از حسابرسی تقویت می‌گردد. قانون‌گذاران بازار سرمایه (نظیر کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا (SEC) و همچنین سازمان بورس و اوراق بهادار ایران) با توجه به اهمیت ارائه اطلاعات مالی به هنگام در فرآیند تصمیم‌گیری فعالان بازار سرمایه در تئوری و عمل، بازه‌های زمانی اجباری را جهت ارائه گزارش حسابرسی تعیین کرده‌اند که در آن بنگاه‌ها باید صورت‌های مالی حسابرسی شده را از طریق الزامات افشای قانونی به سهامداران و سایر ذی‌نفعان کلیدی ارائه کنند. مطالعات پیشین نشان داده است که تأخیر در انتشار به هنگام گزارش‌های مالی می‌تواند تأثیر منفی بر ارزش بنگاه داشته باشد (گیولی و پالمون، ۱۹۸۲؛ بلنکلی و همکاران، ۲۰۱۴). به طور خاص گیولی و پالمون (۱۹۸۲) نشان دادند که واکنش قیمت سهام به اعلام سود زود هنگام چشمگیرتر از واکنش به اعلام سود دیر هنگام است که نشان می‌دهد انتشار زود هنگام اطلاعات یک عملکرد مالی مطلوب‌تر تلقی می‌شود.

عدم شفافیت اطلاعات

تصمیم‌گیری درباره شفافیت اطلاعاتی شرکت، یکی از وظایف مدیران است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند مدیران توانمند، آگاهی بیشتری درباره وضعیت شرکت و صنعت دارند و در شرایط مختلف می‌توانند با افزایش سطح افشای اطلاعات، علامت‌دهی مناسبی به بازار سرمایه داشته باشند و هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهند؛ بنابراین، مدیران با توانایی بالا، انگیزه بیشتری برای افشای اطلاعات به بازار دارند تا بتوانند عملکرد خوب خود را به بازار سرمایه، ارائه و مزیت‌های

¹ Hakansson

² Bushman and Smith

³ Beaver and et al

⁴ Schwartz and Soo

⁵ Blankley

⁶ Jaggi and Tsui

⁷ Lee and et al

رقابته کسب کنند (اویگار، ۲۰۱۸). افزون بر این، شفافیت در گزارشگری مالی سبب تسهیل نظارت بر عملکرد مدیران از سوی سهامداران می‌شود (خواجوی و همکاران، ۱۴۰۰). با وجود عدم شفافیت در گزارشگری مالی، کنترل و نظارت سهامداران بر مدیران کاهش خواهد یافت. به بیان دیگر، افشای صحیح و مناسب اطلاعات مالی، مسئله نمایندگی را با پر کردن شکاف عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران تعدیل می‌کند. حال آنکه افشای مالی ضعیف موجب گمراه شدن سهامداران می‌شود و اثر نامطلوبی بر ثروت آنان دارد. هیلی و پالپو (۲۰۰۱) معتقدند شرکت‌ها می‌توانند از طریق گزارشگری مالی و افشای اطلاعات، عدم تقارن اطلاعاتی و تضادهای نمایندگی بین مدیران و سهامداران خارجی را کاهش دهند؛ از این رو، کیفیت افشا بر کیفیت تصمیمات سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد. افشای کافی اطلاعات توسط شخصیت اقتصادی، به سرمایه‌گذاران و بستانکاران در جستجوی فرصت‌های سرمایه‌گذاری یاری می‌کند و بدین سان سرمایه به کاراترین شرکت‌ها روانه می‌شود.

هیلی و پالپو (۲۰۰۱) پیامدهای اصلی شفافیت شرکت را در خصوص کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش هزینه‌های نمایندگی مورد بررسی قرار دادند. مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی باعث می‌شود که بازارهای سرمایه، شرکت‌های خوب را کمتر از ارزش واقعی برآورد کنند (آکرلوف، ۱۹۷۸). افزون بر این، شواهد ورکچیا (۱۹۸۳، ۲۰۰۱) نشان داد که سرمایه‌گذاران اطلاعات افشاء نشده را نامطلوب ارزیابی کرده و در نتیجه، ارزش شرکت را کمتر برآورد می‌کنند. مطالعات همچنین عدم شفافیت اطلاعات را با مسأله نمایندگی بین سهامداران کنترلی و سهامداران خارجی مرتبط می‌کنند. مطابق نظریه انباشت اطلاعات منفی جین و میرز (۲۰۰۶)، نبود شفافیت اطلاعاتی مجال پنهان کردن اطلاعات بد را فراهم می‌سازد. وقتی انگیزه انباشت اطلاعات بد از بین می‌رود یا میزان این اطلاعات به آستانه خود می‌رسد، همه این اطلاعات به یک باره افشاء شده و منجر به افت شدید قیمت سهام می‌شود. هاتن و همکاران (۲۰۰۹)، نشان می‌دهند عدم شفافیت بالاتر متضمن ریسک ریزش بالاتری است. به عبارتی دیگر، در یک محیط گزارشگری غیرشفاف، سرمایه‌گذاران قادر به شناسایی و کشف پروژه‌های زیان‌ده شرکت نیستند. چرا که اطلاعات شفاف برای تصمیم‌گیری وجود ندارد. از این رو نمی‌توانند پروژه‌های زیان‌ده را از سودده تفکیک نمایند. ناتوانی سرمایه‌گذاران در تمایز بین پروژه‌های سودده و زیان‌ده باعث می‌شود که پروژه‌های زیان‌ده ادامه یابد و با گذر زمان زیاندهی آن‌ها افزایش یابد. بازده منفی این نوع پروژه‌ها در طول زمان در داخل شرکت انباشته می‌شود و هنگامی که اطلاعات مربوط به آن‌ها افشا می‌شود، قیمت سهام به شدت کاهش پیدا خواهد کرد (گانی و همکاران، ۲۰۰۷).

پیشینه پژوهش

خواجوی و غیوری مقدم (۱۴۰۰) نشان دادند که در صورت وجود مدیر توانا با تضاد منافع کم، چسبندگی هزینه موجب بهبود عملکرد واحد تجاری در سال آینده می‌شود. به عبارتی، هر چه توانایی و شایستگی مدیر در سال وقوع چسبندگی هزینه بالاتر و تضاد منافع کمتر باشد تأثیر چسبندگی هزینه بر کارایی واحد تجاری به صورت مثبت، بیشتر خواهد بود که این دلیلی محکم برای وجود تصمیم‌های آگاهانه مدیران در خصوص چسبندگی هزینه ارائه می‌کند. خواجوی و همکاران (۱۴۰۰) با هدف بررسی تأثیر مدیران بر پیامدهای عدم شفافیت اطلاعات شرکت دریافتند بین توانایی مدیریت و عدم شفافیت اطلاعات (خطای پیش‌بینی سود، اختلاف قیمت خرید و فروش سهام و رتبه شاخص عدم شفافیت اطلاعات شرکت) ارتباطی معکوس برقرار است. علاوه بر این، دیگر نتایج نشان داد که بین توانایی مدیریت و دیگر معیار عدم شفافیت (معاملات تجاری و اقلام تعهدی اختیاری) هیچ ارتباطی برقرار نیست.

وقفی و همکاران (۱۴۰۰) با تحلیل تأثیر توانایی مدیریت بر ارزش شرکت در پاسخ به تهدیدات رقابتی بازار نشان دادند که توانایی مدیران بر ارزش شرکت تأثیر داشته و تهدیدات رقابتی بر رابطه بین توانایی مدیران و ارزش شرکت تأثیرگذار است.

نیکبخت و همکاران (۱۴۰۰) با بررسی رابطه بین توانایی مدیرعامل و عدم شفافیت اطلاعاتی شرکت دریافتند که بین توانایی مدیرعامل و عدم شفافیت اطلاعاتی شرکت (شامل: رتبه شاخص عدم شفافیت اطلاعات شرکت و معاملات تجاری) رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین، بین توانایی مدیرعامل و عدم شفافیت اطلاعاتی شرکت (شامل: اختلاف قیمت خرید و فروش سهام و خطای پیش‌بینی تحلیلگران بازار سهام) رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

بدای و همکاران (۱۴۰۰) با بررسی تأثیر توانایی مدیریتی مدیرعامل در ابهام شرکتی و ارزش نهایی وجه نقد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دریافتند که توانایی مدیریتی بر ارزش نهایی وجه نقد تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین، توانایی مدیریتی بر حجم معاملات و به موقع بودن سود به عنوان ابهام شرکتی تأثیر مثبت و معنادار و بر تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش به عنوان دیگر مؤلفه ابهام شرکتی تأثیر منفی و معناداری دارد.

رشیدی و ابراهیمی (۱۳۹۹) نتایج پژوهش حاکی از آن است که توانایی مدیران به افزایش هموارسازی سودهای تقسیمی منجر می‌شود. همچنین، نتایج حاصل فرضیه دوم پژوهش، بیانگر ارتباط معنادار بین توانایی مدیران و محتوای اطلاعاتی هموارسازی سودهای تقسیمی است.

نیکبخت و همکاران (۱۳۹۹) با بررسی ارتباط بین مدت تصدی مدیرعامل و عدم شفافیت اطلاعاتی شرکت نشان دادند که بین مدت تصدی مدیرعامل و عدم شفافیت اطلاعاتی شرکت (شامل: رتبه شاخص عدم شفافیت اطلاعات شرکت، معاملات تجاری و اختلاف قیمت خرید و فروش سهام) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، بین مدت تصدی مدیرعامل و عدم شفافیت اطلاعاتی شرکت (شامل: خطای پیش‌بینی تحلیلگران بازار سهام و اقلام تعهدی اختیاری) رابطه معناداری وجود ندارد.

مهرانی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر توانایی مدیریت و گزارشگری مالی به موقع پرداختند. نتایج نشان داد مدیران توانمند، اثر انفعالی بر تاخیر اعلان سود و گزارش حسابرسی داشته و در نتیجه افشای اطلاعات مالی به موقع‌تری را موجب می‌شوند. نیکبخت و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر پیچیدگی شرکت بر ارتباط بین توانایی مدیریت و عدم شفافیت اطلاعات پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهند بین توانایی مدیریت و عدم شفافیت اطلاعات رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین پیچیدگی شرکت بر ارتباط بین توانایی مدیریت و عدم شفافیت اطلاعات تأثیر منفی می‌گذارد. به طور کلی، نتایج نشان دادند هر چه توانایی مدیریت افزایش یابد، عدم شفافیت اطلاعات کاهش می‌یابد؛ به طوری که این کاهش نشان از شفافیت شرکتی دارد. با این وجود، پیچیدگی در محیط شرکت بر توانایی مدیران در پردازش اطلاعات تأثیر می‌گذارد و شفافیت اطلاعات را کاهش می‌دهد.

جبارزاده کنگرلویی و رادی (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر شفافیت شرکتی با تأکید بر اثر تعدیلگری ضعف کنترل‌های داخلی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد توانایی مدیریت باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، عدم اطمینان اطلاعاتی و افزایش امتیاز افشای به موقع و قابلیت اتکا بودن می‌شود. به طور کلی، بین توانایی مدیریت و شفافیت شرکتی رابطه مستقیم وجود دارد. دیگر نتایج پژوهش نشان می‌دهد ضعف کنترل‌های داخلی بر رابطه بین توانایی مدیریت و شاخص‌های استفاده شده برای اندازه‌گیری شفافیت شرکتی تأثیر معناداری دارد.

یافته‌های پژوهش ثقفی و عالی فاطمیان (۱۳۹۸) نشان می‌دهد توانایی مدیریت تأثیر منفی و معناداری بر حق‌الزحمه حسابرسی می‌گذارد و همچنین برخلاف انتظار درماندگی مالی به عنوان متغیر تعدیل‌کننده، رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی و توانایی مدیران را تعدیل نمی‌کند.

لیو و لی (۲۰۲۱) به بررسی رابطه بین توانایی مدیریتی و ریسک سقوط قیمت سهام، بیش اطمینانی مدیران پرداخته است. شواهد نشان می‌دهد که توانایی مدیریتی تنها زمانی با ریسک سقوط قیمت سهام ارتباط مثبتی دارد که بیش اطمینانی مدیران بالا باشد. علاوه بر این، به نظر می‌رسد توانایی مدیریتی با استفاده از مدیریت سود و پنهان‌کاری اخبار بد توسط بیش اطمینانی مدیران را تشدید می‌کند. شواهد محدودی وجود دارد که مدیران با توانایی بالا احتمالاً اخبار بد را از طریق کانال سرمایه‌گذاری بیش از حد و «کانال‌های دیگر» وقتی مدیران بیش از حد اعتماد دارند، پنهان می‌کنند.

فو و همکاران (۲۰۲۱) با استفاده از نمونه بزرگی از شرکت‌های چینی، به بررسی تأثیر توانایی مدیریتی و همزمانی قیمت سهام می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که بین توانایی مدیریتی و همزمانی قیمت سهام رابطه منفی وجود دارد. تحلیل‌های بیشتر نشان می‌دهد که رابطه منفی برای شرکت‌های خصوصی و شرکت‌های سهامدار نهادی بالاتر بارزتر است. در نهایت، توانایی مدیریتی از طریق عدم شفافیت گزارش‌های مالی بر همزمانی قیمت سهام تأثیر می‌گذارد.

لی و بوس (۲۰۲۱) به بررسی اثر تعدیلی عدم شفافیت شرکتی بر رابطه بین شرکت‌های خانوادگی و اجتناب مالیاتی پرداخته و دریافته‌اند که شرکت‌های خانوادگی با اجتناب مالیاتی ارتباط منفی دارند. با این حال، عدم شفافیت شرکت، منجر به تضعیف این رابطه منفی می‌شود. این نتایج با این دیدگاه سازگاری دارند که عدم شفافیت شرکت، تعارض نمایندگی نوع دوم را تشدید می‌کند. در چنین شرایطی، رابطه منفی بین شرکت‌های خانوادگی و اجتناب مالیاتی تشدید می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که عدم شفافیت شرکت‌ها بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد، این تأثیر برای شرکت‌های خانوادگی قوی‌تر از شرکت‌های غیر خانوادگی است.

بلسان و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی ارتباط عدم شفافیت و اثربخشی مدیران مستقل زن پرداخته و نشان دادند که مدیران زن با نظارت بهتر در ارتباط هستند، اما نتایج متفاوتی در مورد تأثیر آن‌ها بر عملکرد شرکت وجود دارد. با فرض اینکه تأثیر عملکرد آن‌ها به محیط اطلاعاتی شرکت‌ها بستگی دارد، پژوهش‌ها نشان داد که مدیران زن مستقل تأثیر منفی (مثبت) بر عملکرد در شرکت‌های غیرشفاف (شفاف) دارند (تأثیری که نسبت به مدیران مستقل مرد افزایشی است). افزون بر این، معیار استاندارد محیط اطلاعاتی، عدم شفافیت را از دیدگاه افراد برون سازمانی مانند تحلیلگران و سرمایه‌گذاران در نظر می‌گیرد. با این حال، مدیران مستقل نسبت به افراد برون سازمانی دسترسی بیشتری به اطلاعات دارند. نتایج نشان می‌دهد که وقتی مدیران مستقل زن دسترسی بیشتری به اطلاعات داشته باشند (از منابع درون سازمانی و یا منابع برون سازمانی)، تأثیر منفی آن‌ها بر عملکرد در شرکت‌های غیر شفاف از بین می‌رود. با بررسی تأثیر مثبت آن‌ها در شرکت‌های شفاف، می‌توان دریافت که مدیران مستقل زن اقدام تعهدی اختیاری را کاهش می‌دهند.

کورتس (۲۰۲۱) به بررسی تأثیر کاهش شفافیت شرکت بر نگهداشت دارایی و مخارج شرکت پرداخته و نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که از بخش ۴۰۴ قانون ساربینز آکسلی پیروی می‌کنند، نقدینگی سهام بالاتری را نشان می‌دهند و دسترسی بیشتری به تأمین مالی خارجی در مقایسه با شرکت‌های مشابه دارند.

چنگ و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی ارتباط بین عدم شفافیت جریان نقد عملیاتی و ریسک سقوط قیمت سهام پرداخته و دریافته‌اند که عدم شفافیت جریان نقد عملیاتی پس از کنترل عدم شفافیت اقلام تعهدی و سایر عوامل تعیین‌کننده شناخته شده برای تأثیرگذاری بر ریسک سقوط، به طور مثبت با ریسک سقوط قیمت سهام آتی مرتبط است. این نتیجه نشان می‌دهد که عدم شفافیت جریان نقدی عملیاتی، نگهداشت اخبار بد را تسهیل می‌کند و انحراف منابع مدیریتی را امکان‌پذیر می‌کند که به نوبه خود ریسک سقوط سهام را افزایش می‌دهد. همچنین رابطه مثبت بین عدم شفافیت جریان

نقدی عملیاتی و ریسک سقوط سهام زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی بالا، نظارت خارجی ضعیف، اهمیت جریان نقدی عملیاتی کم و هزینه مدیریت اقلام تعهدی زیاد می‌باشد، آشکارتر است. به طور کلی، شواهد این پژوهش پیامد عدم شفافیت جریان نقدی عملیاتی را نشان داده و مبین افزایش ریسک سقوط سهام است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع هدف جزء پژوهش‌های کاربردی است. همچنین این پژوهش با توجه به این که از اطلاعات موجود در صورت‌های مالی و گزارش‌های حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در سنوات گذشته استفاده نموده است و هیچ گونه دخالتی در کنترل و تغییر مقادیر متغیرها ندارد، از لحاظ فرآیند گردآوری داده‌ها، از نوع پژوهش توصیفی پس رویدادی است. از نظر روش و ماهیت تحلیلی و شبه تجربی است و از نظر انجام پژوهش سری زمانی - مقطعی می‌باشد. روش پژوهش حاضر قیاسی - استقرایی بوده و برای تحلیل فرضیه‌ها از آماره F و T استفاده می‌شود، به طوری که برای معنادار بودن کل مدل از آماره F و برای معنادار بودن ضرایب متغیرها از آماره T استفاده می‌شود. ضمناً از نرم افزار استاتا (Stata) برای سنجش فرضیه‌ها استفاده می‌شود. جامعه آماری این تحقیق شرکت‌های منتخب پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. این جامعه آماری، طی دوره‌ای ۵ ساله، از ابتدای سال ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۹ را شامل می‌شود و فرضیه‌های مورد نظر در رابطه با این جامعه آماری مورد مطالعه و آزمون قرار خواهد گرفت. با توجه به اینکه تعداد شرکت‌های تولیدی از کثرت بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارد و ماهیت کسب درآمد آن‌ها متفاوت از سایر شرکت‌ها (شرکت‌های سرمایه‌گذاری و لیزینگی و بانک‌ها و مؤسسات مالی و بیمه) است به عنوان جامعه آماری در این پژوهش انتخاب می‌گردد. نمونه، زیر مجموعه‌ای از جامعه است، که در برگیرنده برخی از اعضاء منتخب جامعه است. به عبارت دیگر، برخی و نه همه عناصر جامعه می‌توانند نمونه را تشکیل دهند. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک استفاده می‌گردد. این پژوهش شامل شرکت‌های منتخب بورسی با ویژگی‌های زیر است که از شرایط زیر برخوردار باشند:

- تعداد شرکت‌های که در سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۹ تغییر سال مالی نداده باشند.
- برای رعایت قابل مقایسه پذیری، شرکت‌های مورد نظر در سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۹ سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند باشد.
- شرکت‌های مورد نظر در سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۹ جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و بیمه‌ها نباشند.
- داده‌های شرکت‌های مورد نظر در سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۹ در دسترس باشد.

جدول (۱): نمونه آماری

۵۰۹	کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
	شرح محدودیت
(۸۸)	شرکت‌های که طی بازه زمانی پژوهش تغییر سال مالی یا تغییر فعالیت داده‌اند.
(۴۰)	شرکت‌های که طی بازه زمانی پژوهش از بازار بورس به فرابورس و یا بازار پایه منتقل شده‌اند.
(۷۳)	شرکت‌های که پایان سال مالی آن‌ها ۲۹ اسفند نباشد.
(۹۷)	جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و بیمه‌ها باشند.
(۶۸)	اطلاعات لازم برای محاسبه متغیرهای عملیاتی پژوهش در دسترس نباشد.
۳۶۶	جمع کسورات
۱۴۳	تعداد شرکت‌های مورد مطالعه

با توجه به مجموعه شرایط فوق، تنها ۱۴۳ شرکت (شامل ۷۱۵ مشاهده) در دوره زمانی ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۹ شرایط فوق را دارا بوده و لذا به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: توانایی مدیریت بر عدم شفافیت اطلاعات تأثیر معناداری دارد.
فرضیه دوم: توانایی مدیریت بر به موقع بودن گزارشگری مالی تأثیر معناداری دارد.

متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل

توانایی مدیریت

متغیر مستقل در این تحقیق توانایی مدیریتی می باشد که برای اندازه گیری آن از مدل دومرحله ای دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده شده است. به منظور اندازه گیری کارایی شرکت دمرجیان و همکاران از الگوی تحلیلی پوششی داده ها (DEA) استفاده کرده اند الگوی تحلیلی پوششی داده ها؛ یک نوع الگوی آماری است که برای اندازه گیری عملکرد یک سیستم با استفاده از داده های ورودی و خروجی کاربرد دارد. در الگوی مورد استفاده در این پژوهش نیز دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) درآمد حاصل از فروش را به عنوان خروجی و متغیرهای دیگر یعنی بهای کالای فروش رفته، هزینه های عمومی اداری و فروش، ماشین آلات و تجهیزات؛ سرقفلی و دارایی های نامشهود را به عنوان ورودی در نظر گرفته اند که به مقدار زیادی حق انتخاب مدیریت در دستیابی به درآمد مورد نظر را پوشش می دهند. در این پژوهش توانایی مدیریتی طبق مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) تعدیل شده است و از مدل (۱) برای محاسبه کارایی استفاده می شود:

مدل (۱):

$$MAX\theta = \frac{sales}{V_1COGS + V_2SG\&A + V_3PPE_{ppe} + V_4INTAN + V_5GOODWILL}$$

MAXθ: کارایی شرکت

sale: کل فروش شرکت به عنوان خروجی.

Cogs: بهای تمام شده کالای فروش رفته.

SG&A: هزینه های عمومی اداری و فروش.

PPE: خالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت است که در این پژوهش از خالص دارایی های ثابت مشهود استفاده شده است.

Intan: دارایی های نامشهود.

Good will: سرقفلی خریداری شده در ابتدای سال.

پس از اندازه گیری کارایی هر شرکت با استفاده از مدل (۱)، برای تعدیل کارایی شرکت و خنثی کردن سایر عواملی که بر تلاش های مدیر اثرگذار است از رابطه (۲) که بر اساس پژوهش دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) تعدیل شده است، استفاده خواهد شد.

رابطه (۲):

$$FE_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \ln(TA_{it}) + \alpha_2 MS_{it} + \alpha_3 FCF_{it} + \alpha_4 \ln(AGE_{it}) + \alpha_5 FC_{it} + \varepsilon_{it}$$

ε_{it} : جزء خطای مدل (۲) می‌باشد که برابر است با توانایی مدیریتی شرکت i در سال t .
 FE_{it} : کارایی شرکت i در سال t است که از مدل (۱) محاسبه می‌شود.
 $Ln(TA_{it})$: لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها است.
 MS_{it} : نسبت فروش شرکت i به کل فروش در صنعت مربوطه است.
 $Ln(AGE_{it})$: لگاریتم طبیعی عمر شرکت است که از زمان تأسیس شرکت تا آخرین سال دوره پژوهش را در بر می‌گیرد.
 FC_{it} : عبارت است از شاخص ارزش خارجی، این متغیر دو وجهی بدین صورت اندازه‌گیری می‌شود که اگر شرکت مورد نظر دارای صادرات باشد این متغیر برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود.
 FCF_{it} : نماد جریان نقدی آزاد مثبت است. اگر شرکتی دارای جریان‌های نقدی مثبت باشد عدد یک و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود. جریان‌های نقدی مثبت به شرح مدل (۳) محاسبه می‌شود.
مدل (۳):

$$FCF_{it} = (OP - TAXP - CIP - DPP)/TA$$

که این رابطه:

FCF_{it} : جریان نقدی آزاد مثبت است.

CIP : هزینه بهره پرداختی است.

$TAXP$: مالیات پرداختی است.

OP : سود عملیاتی قبل از استهلاک است.

DPP : سودهای تقسیمی پرداختی است.

TA : جمع کل دارایی‌ها است.

متغیرهای وابسته

متغیرهای وابسته در این پژوهش عدم شفافیت اطلاعات و به موقع بودن گزارشگری مالی می‌باشد.

عدم شفافیت اطلاعات (OPAQUE):

برای محاسبه عدم شفافیت، معیارهای همچون سود تهاجمی، هموارسازی سود و گزارشگری جسورانه وجود دارد. لیکن در این پژوهش مشابه پژوهش‌های هاتن و همکاران (۲۰۰۹) و کوسنیدیس و همکاران (۲۰۱۴) از معیار مدیریت سود استفاده می‌شود. دیچاو و همکاران (۲۰۰۲) اعتقاد داشتند که مدیران عموماً یک تا سه سال قبل از کشف مدیریت سود، سود شرکت را دستکاری می‌کنند. از این رو، برای دستکاری مدیریت عمدتاً از ارقام تعهدی اختیاری استفاده می‌کنند. در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری عدم شفافیت توسط بهبهانی‌نیا و عسگری (۱۴۰۰)، خواجه‌وی و همکاران (۱۴۰۰)، دولو (۱۳۹۶)، دولو (۱۳۹۵)، حاجیها و شاکر (۱۳۹۴) و فروغی و همکاران (۱۳۹۰) به کار گرفته شده است. بر اساس این مدل، ارقام تعهدی اختیاری معادل تفاوت بین مجموع ارقام تعهدی و ارقام تعهدی غیراختیاری است. از این رو، ابتدا به منظور محاسبه جمع ارقام تعهدی غیراختیاری، رابطه (۳-۱) برآورد می‌شود:

$$TACC_{i,t} = \alpha_0 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_1 \Delta SAL_{i,t} + \alpha_2 \Delta REC_{i,t} + \alpha_3 PPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

در رابطه فوق:

$TACC_{i,t}$: مجموع ارقام تعهدی شرکت i در پایان سال مالی t ، مجموع ارقام تعهدی نیز از تفاوت بین سود عملیاتی و جریان وجوه نقد عملیاتی به دست می‌آید؛

$A_{i,t-1}$: مجموع دارایی‌های شرکت i در پایان سال مالی $t-1$ ؛

$\Delta SAL_{i,t}$: تغییر در فروش خالص شرکت i در پایان سال مالی t ؛

$\Delta REC_{i,t}$: تغییر در خالص حساب‌های دریافتی شرکت i در پایان سال مالی t ؛

$PPE_{i,t}$: خالص دارایی‌های ثابت شرکت i در پایان سال مالی t ؛

رابطه (۱-۳) با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی و به صورت مقطعی برآورد شده و سپس پارامترهای α_0 ، α_1 ، α_2 ، α_3 به دست آمده از این برآورد، برای محاسبه ارقام تعهدی غیراختیاری به شرح زیر رابطه (۲-۳) استفاده شده است:

$$NDACC_{i,t} = \hat{\alpha}_0 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \hat{\alpha}_1 \Delta SAL_{i,t} + \hat{\alpha}_2 \Delta REC_{i,t} + \hat{\alpha}_3 PPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

$NDACC_{i,t}$: ارقام تعهدی غیراختیاری شرکت i در پایان سال مالی t است؛

در نهایت ارقام تعهدی اختیاری بر اساس رابطه (۳-۳) محاسبه شده است:

$$DACC_{i,t} = TACC_{i,t} - NDACC_{i,t}$$

در رابطه (۳-۳):

$DACC_{i,t}$: ارقام تعهدی اختیاری شرکت i در پایان سال مالی t است؛

پس از محاسبه ارقام تعهدی اختیاری، میزان مدیریت سود به عنوان معیار عدم شفافیت از طریق رابطه (۴-۳) اندازه‌گیری می‌گردد:

$$OPAQUE_{i,t} = Abs(DACC_{i,t-1}) + Abs(DACC_{i,t-2}) + Abs(DACC_{i,t-3})$$

در رابطه فوق:

$OPAQUE_{i,t}$: معیار عدم شفافیت مالی شرکت i در پایان سال مالی t ؛

Abs : نماد قدر مطلق است؛

$DACC_{i,t-1}$: ارقام تعهدی اختیاری شرکت i در پایان سال مالی $t-1$ ؛

$DACC_{i,t-2}$: ارقام تعهدی اختیاری شرکت i در پایان سال مالی $t-2$ ؛

$DACC_{i,t-3}$: ارقام تعهدی اختیاری شرکت i در پایان سال مالی $t-3$ ؛

رابطه مذکور بدین معنی است که معیار عدم شفافیت اطلاعات از مجموع قدر مطلق (Abs) ارقام تعهدی اختیاری طی سه سال گذشته به دست می‌آید.

به موقع بودن گزارشگری مالی

اغلب تأخیر گزارشگری حسابرسی به عنوان مهم‌ترین عامل تعیین کننده برای زمان‌بندی گزارشگری مالی به شمار می‌رود (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۹). مطابق با پژوهش‌های (آبرناتی و همکاران، ۲۰۱۸؛ جاگی و تسوی، ۱۹۹۹؛ محمدرضایی و همکاران، ۱۳۹۷) تأخیر در گزارش حسابرسی با تعداد زورهای بین پایان سال مالی شرکت و تاریخ امضای گزارش حسابرسی محاسبه می‌شود.

متغیرهای کنترلی

بر اساس بررسی‌های انجام شده و ادبیات پژوهش متغیرهای اندازه شرکت، اهرم مالی و عملکرد شرکت به عنوان متغیرهای کنترلی در این پژوهش در مدل پژوهش گنجانده شده است.

اندازه شرکت (SIZE)

پژوهش‌ها نشان داده است که اندازه شرکت می‌تواند شاخصی برای میزان اطلاعات قبلی باشد که در مورد شرکت در دسترس بوده است (کیتاگوا و اوکودا، ۲۰۱۶). سینگوی و دسای (۱۹۷۱) بیان داشتند که شرکت‌های بزرگ به منظور دستیابی راحت‌تر به بازار اوراق بهادار و دسترسی آسان‌تر به منابع مالی خارجی و همچنین، توجه بیشتر از سوی بازار، قانون‌گذاران و تحلیل‌گران، اطلاعات مالی را به وضوح و شفاف ارائه می‌نمایند (امیری و همکاران، ۱۳۹۷). اندازه شرکت متغیر کنترلی است زیرا استدلال بر این است که شرکت‌های بزرگ‌تر، تأخیر گزارشگری مالی کمتری دارند (آبرناتی و همکاران، ۲۰۱۸).

اهرم مالی (Debt ratio):

اهرم مالی به عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شده، زیرا استدلال بر این است که شرکت‌های با اهرم مالی قوی‌تر، تأخیر گزارشگری مالی بیشتری داشته باشند (آبرناتی و همکاران، ۲۰۱۸). افزون بر این، پژوهش‌ها نشان داده است با افزایش میزان بدهی‌ها مدیران برخی از شرکت‌ها درصدد آن خواهند بود که با افشای بهتر و بیشتر اطلاعات خود، عدم اطمینان اعتباردهندگان، هزینه بهره و سایر شروط محدودکننده قراردادهای بدهی را کاهش دهند (امیری و محمدی-خوزوقی، ۱۳۹۱).

عملکرد شرکت (ROA):

عملکرد شرکت با استفاده از معیار بازده دارایی‌ها (ROA) کنترل می‌شود که از حاصل تقسیم سود قبل از کسر بهره و مالیات بر مجموع دارایی‌های شرکت محاسبه می‌شود. استدلال می‌شود که شرکت‌هایی که از میزان سودآوری مطلوبی برخوردار هستند؛ بدون هیچ گونه وقفه زمانی مایل به افشای گزارشگری مالی خود هستند (آبرناتی و همکاران، ۲۰۱۸). علاوه بر این، سینگوی و دسای (۱۹۷۱) ادعا می‌کنند سودآوری بالاتر باعث می‌شود مدیریت اطلاعات بیشتری برای نشان دادن توانایی مدیران در حداکثر کردن سرمایه سهامداران و افزایش پاداش مدیریتی خود نشان دهند. در مقابل مدیرانی که سودآوری پایین را تجربه می‌کنند، احساس تهدید می‌کنند و سعی دارند نتایج ضعیف خود را با افشای اطلاعات کمتر پنهان کنند (جبارزاده کنگرلویی و رادی، ۱۳۹۸).

متغیرها و مدل پژوهش

فرضیه اول: توانایی مدیریت بر عدم شفافیت اطلاعات تأثیر معناداری دارد.

$$OPAQUE_{it} = \alpha + \beta_1 Ability_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Debt\ ratio_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

فرضیه دوم: توانایی مدیریت بر به موقع بودن گزارشگری مالی تأثیر معناداری دارد.

$$ARL_{it} = \alpha + \beta_1 Ability_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Debt\ ratio_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 \varepsilon_{i,t}$$

یافته‌های پژوهش آمار توصیفی

جدول (۲): آمار توصیفی

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	بیشترین	کمترین
توانایی مدیریت (Ability)	۷۱۵	-۱/۱۵۶۹	۶/۹۷۰۸	۳۳/۳۴۲۲	-۴۱/۹۶۴۲
شفافیت اطلاعات (OPAQU)	۷۱۵	۳۲۳۳/۷۹۹	۱۴۱۶۴/۴۱	۱۶۴۴۶۶/۳	۰/۰۵۷۷
به موقع بودن گزارشگری مالی (ARL)	۷۱۵	۸۱/۵۳۷۸	۲۶/۳۲۳۹	۱۵۸	۲۷
عملکرد شرکت (ROA)	۷۱۵	۰/۱۶۷۴	۰/۱۶۶۱	-۰/۲۳۸۵	۰/۶۰۸۷
اندازه شرکت (Size)	۷۱۵	۱۴/۷۳۱۴	۱/۳۷۵۲	۱۹/۲۷۲۹	۱۱/۶۷۵۱
اهرم مالی (Debt ratio)	۷۱۵	۰/۰۷۶۲	۰/۱۳۴۴	۱/۱۵۲۷	۰

نتایج نشان دهنده این است که شرکت‌های مورد بررسی، به طور متوسط ۱۶ درصد سودآوری داشته‌اند، همچنین به طور متوسط دارای شرکت‌های مورد بررسی ۷ درصد از بدهی بلندمدت برای تأمین مالی استفاده کرده‌اند. همچنین، متوسط گزارشگری به موقع تقریباً ۸۱ روز است و کمترین روز برای گزارشگری به موقع بودن ۲۷ روز و بیشترین ۱۵۸ روز است. نتایج بیشترین و کمترین هم نشان نوسانات متغیرهای مربوطه است.

آزمون هم خطی

جدول (۳): نتایج آزمون هم خطی فرضیه اول

متغیرها	عامل تورم واریانس (VIF)
توانایی مدیریت (Ability)	۱/۰۲
عملکرد شرکت (ROA)	۱/۲۳
اندازه شرکت (Size)	۱/۰۷
اهرم مالی (Debt ratio)	۱/۰۳
متغیر مصنوعی صنعت (Industrydummies)	۱/۰۴
متغیر مصنوعی سال (Yeardummies)	۱/۲۲

جدول (۴): نتایج آزمون هم خطی فرضیه دوم

متغیرها	عامل تورم واریانس (VIF)
توانایی مدیریت (Ability)	۱/۰۲
عملکرد شرکت (ROA)	۱/۲۲
اندازه شرکت (Size)	۱/۰۶
اهرم مالی (Debt ratio)	۱/۰۲
متغیر مصنوعی صنعت (Industrydummies)	۱/۰۴
متغیر مصنوعی سال (Yeardummies)	۱/۲۱

نتایج آزمون هم خطی در حد مجاز خود است زیرا مقدار عامل تورم واریانس برای هر دو فرضیه کمتر از ۵ است.

نتایج آزمون فرضیه

جدول (۵) نتایج آزمون فرضیه‌های اول پژوهش را نشان می‌دهد.

فرضیه اول: توانایی مدیریت بر عدم شفافیت اطلاعات تأثیر معناداری دارد.

$$OPAQUE_{it} = \alpha + \beta_1 Ability_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Debt\ ratio_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

جدول (۵): نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد نیرومند	آماره t	سطح معناداری
متغیر وابسته: عدم شفافیت اطلاعات				
توانایی مدیریت (Ability)	-۴۳/۷۶۴۶۱	۲۶/۰۰۹۲۵	-۱/۶۸	۰/۰۹۵
عملکرد شرکت (ROA)	-۸۳۵۹/۳۲۷	۳۱۵۷/۹۵۷	-۲/۶۵	۰/۰۰۹
اندازه شرکت (Size)	۳۴۷/۷۶۷۱	۲۵۶/۶۸۴	-۱/۳۵	۰/۱۷۸
اهرم مالی (Debt ratio)	۱۶۸۳/۳۵۹	۳۰۹۲/۹۹۵	۰/۵۴	۰/۵۸۷
متغیر مصنوعی صنعت (Industrydummies)				
متغیر مصنوعی سال (Yeardummies)				
عرض از مبدأ	۸۳۴۰/۲۱۸	۴۹۹۰/۸۳۹	۱/۶۷	۰/۰۹۷
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۳۸۶			
آماره F	۶/۴۱			
معناداری آماره F	(۰/۰۰۰۰)			

طبق نتایج جدول (۵)، سطح معناداری متغیر توانایی مدیران بیشتر از ۵ درصد است، در نتیجه توانایی مدیریت بر عدم شفافیت اطلاعات تأثیر معناداری ندارد. به دلیل اینکه سطح معناداری متغیر مستقل (توانایی مدیریت) بیشتر از ۵ درصد است می‌توان گفت فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. نتیجه ضریب تعیین تعدیل شده حاکی از آن است که ضریب تعیین برابر با ۰/۲۳۸۶ درصد است که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۲۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. نتایج حاصل از آزمون مدل رگرسیون نشان می‌دهد که مقدار P-value مربوط به آماره F که بیانگر معنی‌دار بودن مدل رگرسیونی است، برابر ۰/۰۰۰ بوده و حاکی از آن است که مدل در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می‌باشد و وجود رابطه خطی تأیید می‌شود؛ و به عبارتی می‌توان گفت نتیجه نیکویی برازش مدل که توسط آماره F به نمایش گذاشته شده معنادار است از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است.

جدول (۶) نتایج آزمون فرضیه‌های اول پژوهش را نشان می‌دهد.

فرضیه دوم: توانایی مدیریت بر به موقع بودن گزارشگری مالی تأثیر معناداری دارد.

$$ARL_{it} = \alpha + \beta_1 Ability_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Debt\ ratio_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 \varepsilon_{i,t}$$

جدول (۶): نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد نیرومند	آماره t	سطح معناداری
متغیر وابسته: گزارشگری به موقع				
توانایی مدیریت (Ability)	۰/۱۳۸۹۶۲۴	۰/۱۵۷۵۹۱۳	۰/۸۸	۰/۰۳۷۹
عملکرد شرکت (ROA)	-۳۴/۰۹۸۱۳	۸/۱۰۵۰۴۱	-۴/۲۱	۰/۰۰۰

اندازه شرکت (Size)	۲/۰۶۱۴۱۳	۰/۸۳۰۵۳۵	۲/۴۸	۰/۰۱۴
اهرم مالی (Debt ratio)	۱/۳۵۱۲۷۸	۹/۳۷۵۱۵	۰/۱۴	۰/۸۸۶
متغیر مصنوعی صنعت (Industrydummies)				
متغیر مصنوعی سال (Yeardummies)				
عرض از مبدأ	۶۴/۰۵۰۲۵	۱۳/۱۹۷۵	۴/۸۵	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۰۴۱			
آماره F	۵/۹۱			
معناداری آماره F	(۰/۰۰۰۰)			

طبق نتایج جدول (۶)، سطح معناداری متغیر توانایی مدیران کمتر از ۵ درصد است، در نتیجه توانایی مدیریت بر عدم شفافیت اطلاعات تأثیر مثبت و معناداری دارد. به دلیل اینکه سطح معناداری متغیر مستقل (توانایی مدیریت) کمتر از ۵ درصد است می‌توان گفت فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد پذیرش قرار می‌گیرد. دیگر نتایج نشان می‌دهد که از بین متغیرهای کنترلی عملکرد شرکت (بازده دارایی‌ها) بر عدم شفافیت اطلاعات تأثیر منفی و معناداری دارد ولی اندازه شرکت تأثیری مثبت بر عدم شفافیت اطلاعات دارد. نتیجه ضریب تعیین تعدیل شده حاکی از آن است که ضریب تعیین برابر با ۰/۲۰۴۱ درصد است که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۲۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. نتایج حاصل از آزمون مدل رگرسیون نشان می‌دهد که مقدار P-value مربوط به آماره F که بیانگر معنی‌دار بودن مدل رگرسیونی است، برابر ۰/۰۰۰ بوده و حاکی از آن است که مدل در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می‌باشد و وجود رابطه خطی تأیید می‌شود؛ و به عبارتی می‌توان گفت نتیجه نیکویی برازش مدل که توسط آماره F به نمایش گذاشته شده معنادار است از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است.

نتیجه‌گیری و مقایسه نتایج

در پژوهش حاضر ۱۴۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از یک نمونه‌ی ۵ ساله طی سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۹ مورد بررسی قرار گرفت. هدف این پژوهش بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر عدم شفافیت اطلاعات و به موقع بودن گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای سنجش توانایی مدیریت از مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) و برای سنجش عدم شفافیت اطلاعات از اقلام تعهدی اختیاری مدل تعدیل شده جونز استفاده شده و همچنین برای اندازه‌گیری گزارشگری به موقع از تفاضل بین تاریخ گزارشگری مالی و تاریخ گزارش حسابرس استفاده شده است. نتایج جدول (۵) نشان داد که توانایی مدیریت بر عدم شفافیت اطلاعات تأثیر معناداری ندارد. همچنین، نتایج جدول (۶) نشان‌دهنده این است که توانایی مدیریت بر گزارشگری مالی به موقع تأثیری مثبت و معنادار دارد؛ می‌توان گفت هر چه مدیران دارای توانایی بیشتری باشند گزارشگری مالی به موقع تر افشاء می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان گفت زمانی که مدیران توانمند در شرکت به کار گرفته می‌شود گزارشگری به موقع، افزایش چشمگیری خواهد داشت. به عبارتی، مدیران با توانایی‌های بالقوه‌ای که دارند می‌توانند در تسریع گزارشگری اهمیت و تأثیر بسزایی داشته باشند. یافته‌های پژوهش، نشان‌دهنده عدم تأثیرگذاری توانایی مدیران بر عدم شفافیت اطلاعات است. با توجه به وقوع بحران‌های موجود در دهه‌های اخیر ضرورت بررسی عوامل موثر بر گزارشگری به موقع و عدم شفافیت اطلاعات بیش از پیش احساس می‌گردد؛ بنابراین، به محققان پیشنهاد می‌گردد برای بررسی عوامل تأثیرگذار بر عدم شفافیت اطلاعات از دیگر مدل‌های موجود به صورت همزمان استفاده نمایند تا تفاوت در مدل‌های مورد استفاده

راهگشایی برای پژوهشگران آتی باشد، چرا که نتایج این پژوهش نشان داد. یافته‌های فرضیه اول با نتایج پژوهش خواجوی و همکاران (۱۴۰۰) مطابقت دارد ولی با نتایج پژوهش‌های نیکبخت و همکاران (۱۳۹۹)، جبارزاده کنگرلویی و رادی (۱۳۹۸) تطابق ندارد. نتایج فرضیه دوم با یافته‌های پژوهش مهرانی و همکاران (۱۳۹۹) مطابقت دارد.

پیشنهادها و محدودیت‌های پژوهش

از دلایل احتمالی رد شدن فرضیه دوم پژوهش را می‌توان در متفاوت بودن مدل مورد استفاده برای سنجش عدم شفافیت اطلاعات دانست. شاید استفاده از دیگر روش‌ها برای عدم شفافیت اطلاعات، نتایج متفاوتی را در بر داشته باشد. به همین جهت پیشنهاد این پژوهش این است محققان برای سنجش عدم شفافیت اطلاعات در پژوهش‌های آتی از دیگر روش‌های موجود از جمله رتبه شاخص عدم شفافیت اطلاعات شرکت، معاملات تجاری و اختلاف قیمت خرید و فروش سهام، خطای پیش‌بینی تحلیلگران بازار سهام استفاده شود تا قابلیت مقایسه نتایج فراهم آید.

منابع

- ✓ بداغی، حمید، ولیان، حسن، مرتضویان، سیده فاطمه، واسعی چهارمحالی، مهدی، (۱۴۰۰)، بررسی تأثیر توانایی مدیریتی مدیرعامل در ابهام شرکتی و ارزش نهایی وجه نقد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه راهبرد مدیریت مالی، دوره ۹، شماره ۳۵، صص ۱۹۱-۲۱۶.
- ✓ برزیده، فرخ، معدنچی‌ها، مجتبی، (۱۳۹۳)، تأثیر تخصص موسسه حسابرسی در صنعت بر تأخیر گزارش حسابرسی، فصلنامه حسابرسی نظریه و عمل، شماره ۱، صص ۱-۱۹.
- ✓ پورحیدری، امید، برهانی نژاد، امید، سعیده، محمدرضاخانی، وحید، (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر به موقع بودن گزارش حسابرسی، دانش حسابرسی، دوره ۱۴، شماره ۵۸، صص ۸۵-۱۰۴.
- ✓ ثقفی، علی، عالی فاطمیان، مجتبی، (۱۳۹۸)، رابطه بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی با تأکید بر نقش درماندگی مالی، پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۲۲۱-۲۴۴.
- ✓ جبارزاده کنگرلویی، سعید، رادی، سعید، (۱۳۹۸)، بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر شفافیت شرکتی با تأکید بر اثر تعدیلگری ضعف کنترل‌های داخلی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۵۵-۸۰.
- ✓ خواجوی، شکراله، غیوری مقدم، علی، (۱۴۰۰)، بررسی نقش توانایی مدیران و تضاد منافع در مفید بودن چسبندگی هزینه‌ها: شواهدی از تصمیمات آگاهانه مدیران در پدیده چسبندگی هزینه، فصلنامه راهبرد مدیریت مالی، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۱-۲۰.
- ✓ رشیدی، محسن، ابراهیمی، ابراهیم، (۱۳۹۹)، نقش توانایی مدیران و هموارسازی سودهای تقسیمی در تغییر محتوای اطلاعاتی سودهای جاری، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۷، شماره ۴، صص ۵۸۱-۶۰۳.
- ✓ لاری دشت بیاض، محمود، قناد، مصطفی، فکور، حسین، (۱۳۹۷)، ویژگی‌های کمیته حسابرسی و تأخیر در گزارش حسابرسی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۰، شماره ۳۷، صص ۲۱۵-۲۴۱.
- ✓ محمدرضایی، فخرالدین، تنانی، محسن، علی آبادی، ابوالفضل، (۱۳۹۷)، خطای حسابرسی؛ تأخیر در گزارش حسابرسی و نقش تعدیل‌گر مالکیت خانوادگی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۵، شماره ۱، صص ۵۱-۷۰.

- ✓ مهرانی، کاوه، نظری، هیراد، قاسمی فرد، محمدرضا، (۱۳۹۹)، توانایی مدیریت و گزارشگری مالی به موقع، پیشرفت-های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۳۲۳-۳۵۱.
- ✓ نیکبخت، محمدرضا، جهان دوست مرغوب، مهران، ویسی حصار، ثریا، (۱۳۹۹)، بررسی تاثیر پیچیدگی شرکت بر ارتباط بین توانایی مدیریت و عدم شفافیت اطلاعات، پژوهش های حسابداری مالی، دوره ۱۲، شماره ۳، صص ۸۳-۱۰۴.
- ✓ نیکبخت، محمدرضا، ویسی حصار، ثریا، فاطری، علی، (۱۳۹۹)، بررسی ارتباط بین مدت تصدی مدیرعامل و عدم شفافیت اطلاعاتی شرکت، راهبرد مدیریت مالی، دوره ۸، شماره ۲۸، صص ۸۷-۱۰۶.
- ✓ نیکبخت، محمدرضا، ویسی حصار، ثریا، فاطری، علی، (۱۴۰۰)، بررسی رابطه بین توانایی مدیرعامل و عدم شفافیت اطلاعاتی شرکت، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۱، صص ۳۹-۵۸.
- ✓ وقفی، سید حسام، رجبی جیرنده، اعظم، نوربخش حسینی، زینب، (۱۴۰۰)، تحلیل تاثیر توانایی مدیریت بر ارزش شرکت در پاسخ به تهدیدات رقابتی بازار، مطالعات مدیریت و توسعه پایدار، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۲۵-۱۴۹.
- ✓ Ajina, A., Sougne, D., & Lakhal, F. (2015). Corporate disclosures, information asymmetry and stock-market liquidity in France. *Journal of Applied Business Research (JABR)*, 31(4), 1223-1238.
- ✓ Andreou, P. C., Ehrlich, D., & Louca, C. (2013). Managerial ability and firm performance: Evidence from the global financial crisis. In *European Financial Management Association, Annual Conference*.
- ✓ Balsam, S., Puthenpurackal, J., & Upadhyay, A. (2021). Corporate opacity and effectiveness of independent female directors. *Journal of Corporate Finance*, 69, 102007.
- ✓ Beaver, W., Lambert, R., & Morse, D. (1980). The information content of security prices. *Journal of Accounting and Economics*, 2(1), 3-28.
- ✓ Bertrand, M., & Schoar, A. (2003). Managing with style: The effect of managers on firm policies. *The Quarterly journal of economics*, 118(4), 1169-1208.
- ✓ Blankley, A. I., Hurtt, D. N., & MacGregor, J. E. (2014). The relationship between audit report lags and future restatements. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 33(2), 27-57.
- ✓ Bushman, R. M., & Smith, A. J. (2001). Financial accounting information and corporate governance. *Journal of Accounting and Economics*, 32(1-3), 237-333.
- ✓ Chemmanur, T. J., & Paeglis, I. (2005). Management quality, certification, and initial public offerings. *Journal of Financial Economics*, 76(2), 331-368.
- ✓ Cheng, C. A., Li, S., & Zhang, E. X. (2020). Operating cash flow opacity and stock price crash risk. *Journal of Accounting and Public Policy*, 39(3), 106717.
- ✓ Cortes, F. (2021). Firm opacity and the opportunity cost of cash. *Journal of Corporate Finance*, 68, 101923.
- ✓ Fu, J., Chen, X., Liu, Y., & Chen, R. (2021). Managerial ability and stock price synchronicity. *Research in International Business and Finance*, 101606.
- ✓ Givoly, D., & Palmon, D. (1982). Timeliness of annual earnings announcements: Some empirical evidence. *Accounting review*, 486-508.
- ✓ Hakansson, N. H. (1977). Interim disclosure and public forecasts: An economic analysis and a framework for choice. *Accounting Review*, 396-426.
- ✓ Jaggi, B., & Tsui, J. (1999). Determinants of audit report lag: Further evidence from Hong Kong. *Accounting and business research*, 30(1), 17-28.
- ✓ Krishnan, G. V., & Wang, C. (2015). The relation between managerial ability and audit fees and going concern opinions. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 34(3), 139-160.

- ✓ Lee, C. H., & Bose, S. (2021). Do family firms engage in less tax avoidance than non-family firms? The corporate opacity perspective. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 17(2), 100263.
- ✓ Lee, H. Y., Mande, V., & Son, M. (2009). Do lengthy auditor tenure and the provision of non-audit services by the external auditor reduce audit report lags?. *International Journal of Auditing*, 13(2), 87-104.
- ✓ Liu, J., & Lei, D. (2021). Managerial ability and stock price crash risk—the role of managerial overconfidence. *Review of Accounting and Finance*.
- ✓ Naimi Mohamad-Nor, M., Shafie, R., & Wan-Hussin, W. N. (2010). Corporate governance and audit report lag. *Asian Academy of Management Journal of Accounting and Finance*, 6(2), 57-84.
- ✓ Schwartz, K. B., & Soo, B. S. (1996). The association between auditor changes and reporting lags. *Contemporary Accounting Research*, 13(1), 353-370.